

سرافزا: ۳۴٪ روز پیش، آن‌زمان که هنوز آفتاب زنده و مؤذن برای مناره بانگ برنیاورده بود، در خوشخوان صبح عده‌ای پیراهن مشکی بر تن آن‌زنده‌های همیشه سبز کوی دانشگاه بالا رفتند و در چشم‌به‌هزی از مأمّن برترین دانشجویان ایران تلی از ویرانی باقی گذاشتند و رفتند. از آن روز تاکنون برای بسیاری زمان به سختی گذشت چه آن خانواده‌های که فرزندان قربانی خشونت در قلب پایتخت شده و چه آن دانشجویی که هنوز ردای طبیعت بر تن نکشیده، یک «چشم» از دست داده و چه... اینها همه هست. اما در آستانه سالروز آن تابستان داغ و غم‌انگیز قصد نداریم مرهم نهناده بر رخ، نمک پاش آن شویم. قصد پرسیدن این را هم نداریم که چگونه است و زودنامه‌ای که شباهت‌های بسیاری با «سلام» داشت، در چنین روزهایی به محاق توقیف می‌رود و روحانی به‌شدت مورد علاقه دانشجویان بازداشت می‌شود؟ گزارشی که پیش روی شماست، حاصل گشت و گذاری از روز اول تیرماه جاری تا به امروز در لابه‌لای تشریحات محافظه‌کاران است. تشریحاتی که در آغازین روزهای سالگرد حمله به کوی دانشگاه از هیچ کوششی برای کاستن از «آستانه تحمل» دانشجویان فروگذار نکردند. قصد پاسخ به این که چه کسی در پس گل‌آلود کرون آب، هوس صیادی در سر پروارنده است را نیز نداریم. اما همین قدر می‌دانیم که دانشجویی دودم خردادی تحریک‌ناپذیر است و صبور. مگر نه این که در یک سال گذشته علی‌رغم بروز اتفاقاتی که هر یک پتانسیل میدول شدن به توفان سیاسی داشت، بسان «پیران سیاست» کهنه‌کارانه سکوت پیشه خود ساخت، چرا که نیک می‌دانست تنها در آرامش، مطالبات اینباشته شده وی پاسخ خواهد گرفت. آنان علی‌رغم این که در یک سال گذشته هزاران انگ و توهین رای‌به‌چشم دیدند حتی آنگاه که قربانی کوی را یکی از تشریحات دست راستی صبح معارب «خوانند باز هم آرامش خویش از کف نهند؛ و این سنت دانشگاه ما شد.

دانشجوی دودم خردادی خوب می‌داند مگر برداشتن جلوتر از رهبران فکری اش نثمراهی ندارد. هم از این روی، حتی وقتی از نخستین روز تیر سالگرد آوار تخریب بر سر و رویشان بیشتر شد برای آن که نشان دهند جنبش دانشجویی نماد صلح و بردباری است به «شورای شهر» پیشنهاد داد در آستانه هجدهم تیر میدانی را در تهران به نام «مدارا» نامگذاری کنند. هر چند این راه یکی از تشریحات صبح ناب نیارود و مدعی شد «چون واقعه ۱۸ تیر با طراحی و برنامه‌ریزی آمریکا بود نامیدن یک میدان به نام مدارا در واقع می‌تواند به مفهوم مدارا یا بیستمان بزرگ باشد». طرفه آن است که غالب تشریحات محافظه‌کاران همچنان می‌نویسند که «جنبش دانشجویی با اجیر کردن شهرستانی‌ها و پرداخت وجه به آنها در حال تهیه و تدارک آشوب است» و در اثبات مدعی خویش به کرات سخنان مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا را با آب و تاب در صفحه اول روزنامه خود درج می‌کنند و مدعی می‌شوند مگر نه این که او گفت «منتظر وقوع آشوب در ایران هستیم» هیچ‌کس نمی‌داند، چرا اینان سخنان فرزند ایران را باور ندارند اما در عوض آمریکایی‌ها این چنین مورد وثوق‌شان واقع شده‌اند.

لابه‌لای نشریات محافظه‌کاران در آستانه سالروز فاجعه کوی دانشگاه تهران

قله!

محمد رضایی

وقتی از طرف محافلی خاص و بسیار سنتی از دانشجویان خواسته می‌شود روز ۱۸ تیر در دانشگاه حاضر شوند و «سکوت قبرستانی دانشگاه» را از بین ببرند قطعاً دانشجویی دودم خردادی در پس این غبار «چراغ‌ها و نشانه‌ها» را می‌بیند



سلام هزینه کلانی را خواهد پرداخت و متعاقب آن فاجعه کوی دانشگاه تهران و حوادث ناگوار پس از آن رخ داده، کد و نشانی اضافی که «حسانی» است!

این سناریو زمانی شنیدنی تر می‌شود که بدانیم یکی از تشکل‌های دانشجویی هواخواه محافظه‌کاران چند روز پیش ضمن محکوم کردن اقدام وزارت علوم مبنی بر پایان یافتن امتحانات تا ۱۶ تیرماه و انتقاد از کسانی که خواهان سکوت قبرستانی و آرامش مردمانی از دانشگاه‌ها هستند از همه دانشجویان خواست «با حضور فعال و آگاهانه پاسخ طرفداران دروغین دانشجویان را بدهند» و جالب تر از همه نوشته‌های یکی از تشریحات ارکان

جمعیتی سنتی، است که اقدام وزارت علوم را «واقعاً سؤال‌برانگیز» خوانده است.

آیا اینمهمه قابل تأمل نیست؟ به این سؤال چه کسی پاسخ می‌دهد که چه شده است به بیکاره تشریحات و محافلی خاص، دانشجویان را برای روز ۱۸ تیر به دانشگاه فرا می‌خوانند؟ راستی چه کسانی از پاشیدن نفث نعت بر آتش فقره سوده می‌برند؟ این را دانشجویی دودم خردادی باید پاسخ گوید او که تحریک‌ناپذیر است و صبور و به آنها اعلام کند «اگر سیل سر که به سوی ما روان دارد خروارها قند به آن خواهیم افزود تا عالم پر از سکنجبین شود...

جدول شماره ۴۷

واقع آشوب در ایران هستیم» به نقل از وی نوشت «دانشجویان به عملیات اعتراضی علیه دولت به بهانه سالگرد حادثه کوی دانشگاه دست می‌زنند» جالبتر از همه آن است که رسالت فدایی انتشار خبری سیگ، در صدد پاسخ به پاسکاری‌های خودش نیز بر آمد. ایک گروه دانشجویی برای تحقق پیش بینی مشاور سابق امنیت ملی آمریکا در مورد بروز آشوب‌های خیابانی به بهانه سالگرد کوی دانشگاه تلاش می‌کند و شعارنویسی در اماکن عمومی و به ویژه باجه‌های تلفن را در دستور کار عوامل خود قرار داده است.

اینکه چگونه یک گروه دانشجویی دو روز پس از انتشار صحبت‌های گری سیک با چنین سرعتی می‌تواند خود را برای بروز آشوب آماده کند را قطعاً کسانی می‌توانند پاسخ دهند که دارای گروه‌های آماده‌ها هستند که هر وقت لازم شد از آنها استفاده بیهی می‌کنند. شاید این امر موجب شد این چنین به شبیه‌سازی روی آورند!

همان روزی‌ها هم رسالت خود که مهاجری‌تراد= یکی از بازداشت‌شدگان کوی - به دعوت بنیاد «هائیریتس بل» به آلمان سفر کرده است، و در آنجا اظهار امیدواری کرده که «دوستان عزیز او در جنبش دانشجویی مانند علی افشاری و طبرزدی از زندان آزاد شوند»؛ در این مورد که مهاجری‌تراد چگونه توانسته بدون هیچ مشکلی بافصله پس از آزادی از اوین ویزای سفر به آلمان دریافت دارد، کسی حرفی نزد و از وجود آن کاسه و نیم کاسه معروف سنجی به میان نیاورد. مهاجری‌تراد به آلمان رفت و سوژه پیام‌دهندگان و سرمقاله‌نویسان رسالت فرام شد. رسالت در سرمقاله‌اش ضمن انتقاد از «آزادی مهاجری‌تراد و برخورد ملاطفت آمیز با آنها» مجازات‌ها را «آزاد» دانسته و فرصت را مثل همیشه برای نیش زدن به رئیس جمهوری منتقم شمرده واقعاً جای تأسف دارد. بانگ‌ها و اتوبوس‌ها را آتش زدنند. مساجد را به آتش کشیدند. به همه مقدسات اعانت کردند. در اوج خشونت این تبهکاران، رئیس جمهوری محترم فرمود ما خشونت را با خشونت پاسخ نمی‌دهیم!!

سناریو بدینجا ختم نشد و هر هر عقربه زمان به ۱۸ تیر نزدیک تر و نزدیک تر می‌شد، شدت و غلظت حملات و تحریکات نیز بیشتر و بیشتر شد. رسالت که حسابی به دانشجویان «گیر سه‌پیچ» داده و داغ کرده بود هر روز با انتشار یکی دو خبری‌بام و نشان و بدون منبع در ستون نشیده‌ها و نکته‌ها و یا به نقل از خواتنه‌گانش بر حجم حملات می‌افزود در ادامه این تحركات مدعی شد «دفتر تحکیم وحدت به شورای شهر تهران، پیشنهاد کرده بود که نام خیابان کارگر به پاس بزرگداشت کوی دانشگاه به ۱۸ تیر تغییر کند که با عدم موافقت این شوراورویرو بود شد.» عصر همان روز کیهان بی‌مطلی ضمن درج مجدد این خبر به نقل از رسالت، نوشت: «برخی شنیده‌ها حاکی از احتمال تقدیم پیشنهاد جدیدی توسط برخی از شهروندان تهرانی مبنی بر تغییر نام خیابان حد فاصل میدان انقلاب تا میدان امام حسین به خیابان ۱۸ تیر می‌باشد. «انصافاً که اگر اقتضای روزنامه‌نگاری چنین باشد با نکیه بر صندلی‌های تحریریه حداقل روزی ۱۰۰ خبر می‌توان تولید کرد. به کلمات دقت کنید «برخی شنیده‌ها»، «احتمال تقدیم پیشنهاد» برخی شهروندان تهرانی» عجب دانستاست.

داستان تحریک احساسات دانشجویان و دانشجویان ایرانی - اثر گرداندگان تشریحات ارکان محافظه‌کاران یک روز با تمسک به گفته‌های گری سیک، روز دیگر با استفاده از ادعای دیگران و دیگر روز با «خبر ساختگی» به «حلیل» روی آوردند.

غرض پروژه‌های است که می‌باید پیش بروند. حال آوزبران شدن به گری سیک باشد یا هر کسی دیگر، در اصل قضیه تفاوتی نمی‌کند. اما شنوید از هفته نامه سیاست، «متاقبن هم برای کمک برخی تشکلهای دانشجویی اعلام آمادگی کرده و اظهار تمایل کرده‌اند در روزهای ۱۸ تیر به اقدامات ایذایی دست خواهند زد، گفتنی است بعضی تشکلهای دانشجویی درصدد هستند در ایام سالگرد حادثه کوی دانشگاه با روش‌های گشت و گذاری از سر تیرماه در روزهای ۱۸ تیر دانشجویان بپردارند.» باز هم مشخص نیست منبع و نشانی خبر چیست و کجاست؟

«کیهان» نیز دو روز قبل از درج این خبر در سیاست «به سبک این تشریه ضمن معرفی فردی با عنوان «گزارشگر ویژه تلویزیون رژیم طاغوت» و درج سخنان وی که «توقیف بیان برای نظام هزینه سنگینی دربرخواهد داشت» یادآور شد «تهدیداتی از این دست، با عبارت و الفاظ مخصوص، مقوله ناآشنایی نیست چرا که در جریان تعطیل و توقیف روزنامه سلام نیز یکی از روزنامه‌ها تهدید کرد که نظام در قبال تعطیلی

دست در اولین روز تابستان و نخستین سالروز فاجعه کوی دانشگاه روزنامه رسالت، از یک «گروه برادعی دانشجویی» که «در طراحی حوادث سال گذشته کوی دانشگاه نقش مهمی داشت و با طرح واهی کشته شدن تعدادی از دانشجویان به منتهب کردن قضای سیاسی جامعه دامن زد»، خبر داد که قصد دارد «در ایام سالگرد حادثه کوی دانشگاه با روشن کردن چند هزار شمع، یاد دانشجویان شهید!!» را گرمی بدارد» و «در قبال پرداخت وجه عده‌ای را وادار کند تا در مسیر کوی دانشگاه تا میدان انقلاب با شمع روشن و پیراهن مشکی نظاره به عزاداری نمایند» همین روزنامه، فردی آن روز مدعی شد «دو گروه دانشجویی که هواداران آنها در تشدید آشوبهای خیابانی فعال بودند، قصد دارند با دعوت از اعضا و هواداران خود از شهرستانها به تهران، در ایام ۱۷ الی ۲۰ تیر جمعیتی در تهران برگزار و زمینه بروز برخی ناآرامی‌ها را فراهم کنند»؛ جالب اینجاست که همین خبر

محافظه‌کاران برای اثبات مدعی خود

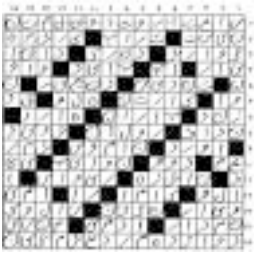
در مورد امکان بروز آشوب در سالگرد کوی دانشگاه توسط دانشجویان به دفعات به سخنان گری سیک اشاره می‌کنند راستی از کی تابه‌حال گفته‌های آمریکایی‌ها این چنین مورد وثوق آقایان شده است؟

از اولین روز تیر تا به امروز نشریات

محافظه‌کاران پر است از اخبار بدون نام و نشانی در مورد دانشجویان که آنها را متمم به تدارک آشوب می‌کنند. آیا کسی می‌داند در پس این آب گل‌آلود چه کسی هوس صیادی در سر پروارنده است؟

با اندکی دستکاری در روزهای متفاوت اما پشت سر هم در تشریحات «جام هفته»، «البثارات»، «سیاست» و «ایر تو» درج شد و هیچکس هم توضیح نداد که منبع خبرش چیست و کجاست؟ همان روز که رسالت به «رتق و تقن امور دانشگاه» مشغول بود «تهران تایمز» ضمن انتشار مقاله‌ای از «گری سیک» مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا که با اشاره به سالگرد حمله به کوی دانشگاه گفته بود «ایران یکی تابستان داغ سیاسی را در پیش دارد و این امر به افزایش ناآرامی منجر خواهد شد» می‌نویسد. برخی در داخل و خارج ایران تلاش می‌کنند با چنین تلقین‌هایی در سالگرد ۱۸ تیر ناآرامی‌های پدید آورند. یک روز گذشت و روزنامه «رسالت» که پیشتر شدیدترین لحن را خطاب به جنبش دانشجویی به کار می‌برد و حتی در ستون «ایام مردم» عزت ابراهیم تراد، قربانی کوی را «مجارب» خوانده بود، ضمن آنکه مدعی شد هر چه به زمان سالگرد حادثه کوی دانشگاه نزدیک می‌شود به نظر می‌رسد تحركات عوامل مشکوک برای ایجاد آشوب افزایش می‌یابد» به پاسکاری‌های تهران تایمز با اسبکی بی‌جانانه پاسخ داد و با درج سخنان گری سیک در صفحه اول و با تیتیر «منتظر

حل جدول شماره ۴۶



۸- از شهرهای استان کرمان - به دیگری احساس معجب و آشنایی کردن - خنای جنگ بنیانان باستان ۹- از پسوند های دارندگی - لفظات - قام‌های زینتی گرانها، ۱۰- حرف ندا - خندیدن و شکستن - تخته بلند و قطور ۱۱- زادگاه ویکتاتور عراق - روغن مالی کردن ۱۲- در مثل جواب «های» است - از قمرهای سیاره اورانوس - صحنه تئاتر ۱۳- همدم و همشین - زرد لوی قام - مغروب - حروف نگاری رایانه‌ای ۱۴- رنگ و استخوانی در پا ۱۵- عکس بزرگ و پر تره - ناحیه سردسیر عشایر ۱۶- عمدی و از روی قصد - گدای سنج - دشنام و نفرین ۱۷- از دستگه‌های تکثیر نوشته - فراموشگر و کرم محافظ - جدا و منفک

عودید:

۱- از دستگه‌های موسیقی ایرانی - اثر معروف دانه الگبیری «بزرگترین شاعر تاریخ ادبیات تا ۱۵۰۰ مسافر عثمون - بانوو بیگم - شیار باریک و کم عمق - از مه‌ها ۳- سلام و تحیت - تزاری است برای اسب - آتش زنه گوگردی ۴- عدد اول - برای این اصطلاح فی رنگی برابر پارسی «کارور» را برگزیده‌اند - استخوانی در پا ۵- عکس بزرگ و پر تره - ناحیه سردسیر عشایر ۶- عمدی و از روی قصد - گدای سنج - دشنام و نفرین ۷- از دستگه‌های تکثیر نوشته - فراموشگر و کرم محافظ - جدا و منفک